



۲۰۱۹/۰۹/۱۳



مرجان کمال

تحریک طالبان نویسنده: مرجان کمال به زبان فرانسوی

مترجم: فریده نوری

قسمت نهم



شب‌نم در این بهار دلیل نشاط نیست
صبحی ست کز وداع چمن گریه می کند



(Chapitre 1)

مبهم بودن یک جنبش نو شورشی

به وجود آمدن قیام و درگیری‌ها بعد از اشغال افغانستان توسط شوروی، و تحلیل از تشکیلات مقاومت مسلحانه و تغییر شکل نمودن منظره سیاسی و اجتماعی در محیط اطراف (دهات و قصبات) افغانستان: (Dorransoro, 2000, Roy, 1985, 1992).

چگونه قیام خودجوش و خود به خودی مردمی به صورت تدریجی زیر کنترل احزاب جدید، که از کتگوری تعلیم یافتگان، برخاسته از سیاست مدرن سازی و یا نوگرایی رژیم قبلی بهره مند گردیده بودند، به وجود آمد؟

چگونه یک درگیری مسلحانه باعث تغییر شکل ساختار های سیاسی و اجتماعی گردید؟ در قرن نوزدهم میلادی در اثر فشار رقابت های «بازی بزرگ، روس - انگلیس»، دو مرتبه بالای ساختار های دولتی نو ظهور و جوان افغانستان، زیر بیرق جهاد اعتراضات خشونت بار آشکار گردید. نظر به موجودیت ضعف و ناتوانی در دولت و موجودیت تهدید ها، که حاکمیت کشور را به خطر انداخته بود و از طرف دیگر دولت قادر به جواب دادن به تهدید ها نبود، مذهبیین موفق می شوند تا یک طرح بسیج شدن مردم را روی کار بگیرند، که بالای تمام قلمرو کشور مؤثر واقع شد. قسمی که توسط نوید در سال (1997، 586) تأیید گردیده است: «بسیار مهم است تا رول مذهبیین را در جنگ اول و دوم افغان - انگلیس دانست، نتنها به حیث اشتراک کنندگان و عاملین بسیج شدن کتله ها، بلکه به حیث رهبران جنگ مقاومت». بر عکس در وقت جهاد علیه شوروی ها، بسیج شدن به واسطه شخصیت های معترض رژیم سابقه که با چهره های نو اقتدار که جانشین شخصیت های برجسته محلی رژیم سابق شده بودند، مرتبط گردید.

فروپاشی پیمان اجتماعی میراث رژیم قبلی:

عملیه ترکیب دوباره اجتماعی در هنگام جهاد علیه شوروی ها:

بر علاوه ارتباطات دولت - جامعه، که آشکار گردیده است، با پارچه پارچه شدن اجتماع و تعیین کننده خاصیت اقتدار محلات، در ولایات می باشد.

قوم و خان تحت حاکمیت سابقه:

اصطلاح قوم ریفرنس خود را از شبکه های همبستگی نخستین و اساسی که دلالت بر واحد های خورد کلان (clan) و یا نسل و تبار در محیط قبایلی و در دره و یا در دامنه دره ها در محیط غیر قبایلی می کند، می گیرد.

از موجودیت شان توسط دولت به حیث وسیله کنترل استفاده می گردد. «این نوع طرح (schéma) به قرار روبین (B. Rubin) مشخص کننده دولت ضعیف است که در صدد تأسیس اقتدار خود با ضعیف ساختن جامعه و با ایجاد تفرقه می باشد». (B. Rubin, 2002 : 25)

کسب نمودن اعتبار خان ها تحت حاکمیت قبلی در حقیقت از برکت داشتن زمین و جایداد می باشد که آن ها را به عنوان شخصیت های برجسته و چهره های بزرگ قدرت محلی گردانیده است، تعیین کننده اقتدار خان ها از یک طرف به قابلیت و توانایی توظیف دوباره شان، و از طرف دیگر به داشتن یک گروپ همبستگی با عظمت برای بسیج نمودن می باشد. اقتدار شبکه خان توسط داشتن حجره یا مهمان خانه و مخصوصاً نظر به عریض بودن دسترخوان شان متباز می گردد.

در زمان جهاد علیه شوروی ها، تشکیلات مقاومت بالای دینامیک ترکیب دوباره استوار بود.

در واقع تشکیل کنندگان اساسی سیاسی - نظامی (تنظیم ها) در پشاور موقعیت داشتند و جهاد را در اختیار گرفته و همچنان متضمن تدارک و تهیه نمودن اسلحه برای قومندان های مختلف جبهات بودند که در داخل کشور قرار داشتند. قومندان ها در نقاط مختلف داخل کشور و در نزدیکی قریه جات، قرارگاه ها داشتند. این یک نکته خیلی مهم است زیرا در این جا دیده می شود که اقتدار قومندان ها به صورت طبیعی جای اقتدار خان ها را گرفته، بدون صدمه رساندن به اقتدار سنتی آنها.

قومندان های جهادی بر علاوة اسلحه با وسایل مدرن ترانسپورتی و وسایل ارتباطات از فاصله های دور مانند تلفون های ستالیت و پیکپ ها (pick – up-s) که توسط تنظیم ها برای شان مهیا گردیده بود، مجهز بودند. در این جا دیده می شود که خان ها مؤقف خود را با عریض بودن دسترخوان و توزیع نمودن دوباره حفظ می کنند، و قومندان ها متضمن امنیت باشندگان محل می باشند.

بر علاوه ما متوجه می شویم که در ادبیات جنگ علیه شوروی ها، مخصوصاً در پدیده های تشکیل و ترکیب دوباره ساختار های سیاسی و اجتماعی بعد از سقوط رژیم در سال 1992 میلادی تغییرات به عمل آمده است، مثال برجسته آن عبارت از به وجود آمدن تیکه داران قومی جهادی است که این چهره های جدید اقتدار، به نام قومندان های جهادی به فارسی و به پشتو "جهادی قومندانانو" یاد می گردیدند.

اصطلاح «تیکه دار قومی» ویا «تیکه دار قبایلی» تعیین کننده دو عملیه در پیدایش این چهره های نو اقتدار می باشد:

از یک طرف قرار گرفتن اقتدار قومندان ها بالای ساختار های قبلی اقتدار که به نور خان ها تشکیل گردیده است، و از طرف دیگر سرمایه گذاری توسط این بازیگران نو، که گروپ های همبستگی اصلی، اساسی و مهم قومی را با خود همراه داشتند.

برعکس اصطلاح افغانی نشان دهنده یک جنبه دیگر پروسه در ظاهر شدن این چهره های نو اقتدار می باشد: دادن منزلت به قومندان یا به عباره دیگر لیدر شف در تشکیلات جنگی و راه داشتن به منابع مالی که در هنگام جنگ علیه شوروی ها که توسط تنظیم های جهادی برای شان تخصیص داده شده بود.

به طور مسلم این اصطلاح به صورت تکراری، تغییرات اجتماعی را نشان می دهد که توسط جهاد علیه شوروی ها روی کار آمد.

قومندان حاجی حلیم، قومندان اتحاد سیاف در ولایت قندهار از قوم اچکزی نماینده یکی از این چهره ها می باشد، قبایلی که وی را حمایت می کنند در منطقه خیلی ها دارای اهمیت می باشند. ایشان یک قلمرو وسیع را با قوم الکوزی، که تیکه دار اساسی آن قومندان نقیب الله است و مربوط به جمعیت اسلامی ربانی می باشد، در اختیار دارند.

نورزایی ها، پوپلزایی ها و بارکزایی ها از جمله قبایل مهم در منطقه می باشند، اما به صورت منظم یک مطابقت بین شبکه مربوط به قبایل، و اقتدار قومندان ها و خان ها موجود نیست.



ادامه دارد

marjan_kamal_107_tahrik_talibaan_9.pdf